

فرهنگ عمومی

مدرس : ناهید خوشنویس

سال تحصیلی 1397 - 98 :

دانشگاه علمی کاربردی واحد { 13 }

(ناهید خوشنویس) (به نام تعالی) (فرهنگ عمومی)

معادل فرهنگ در زبان های مختلف:

• واژه کالچر culture دوره کلاسیک و شاید پیش از کلاسیک

یعنی ادبیات لاتین ریشه میگیرد و در اصل به معنای کشت و کار یا پرورش آمده است و بعدها به معنی پرورش نفس در زبان یونانی معنای پرورش بخود گرفت.

• کاربرد این واژه از قرن هیجدهم بطور عام برای نشان دادن تربیت روح بکار گرفته شده است

• زبانهایی مانند پرتغالی، اسپانیایی، فرانسوی، ایتالیایی، رومانیایی و زبانهای انگلیسی در آغاز واژه CIVILIZATION را که بجای culture بکار بردند منظورشان پیشرفت اجتماعی بود.

معادل فرهنگ در زبان های مختلف:

• واژه کالچر culture دوره کلاسیک و شاید پیش از کلاسیک یعنی ادبیات لاتین ریشه میگیرد و در اصل به معنای کشت و کار یا پرورش آمده است و بعدها به معنی پرورش نفس در زبان یونانی معنای پرورش بخود گرفت.

• کاربرد این واژه از قرن هیجدهم بطور عام برای نشان دادن تربیت روح بکار گرفته شده است.

• زبانهایی مانند پرتغالی، اسپانیایی، فرانسوی، ایتالیایی، رومانیایی و زبانهای انگلیسی در آغاز واژه CIVILIZATION را که بجای culture بکار بردند منظورشان پیشرفت اجتماعی بود.

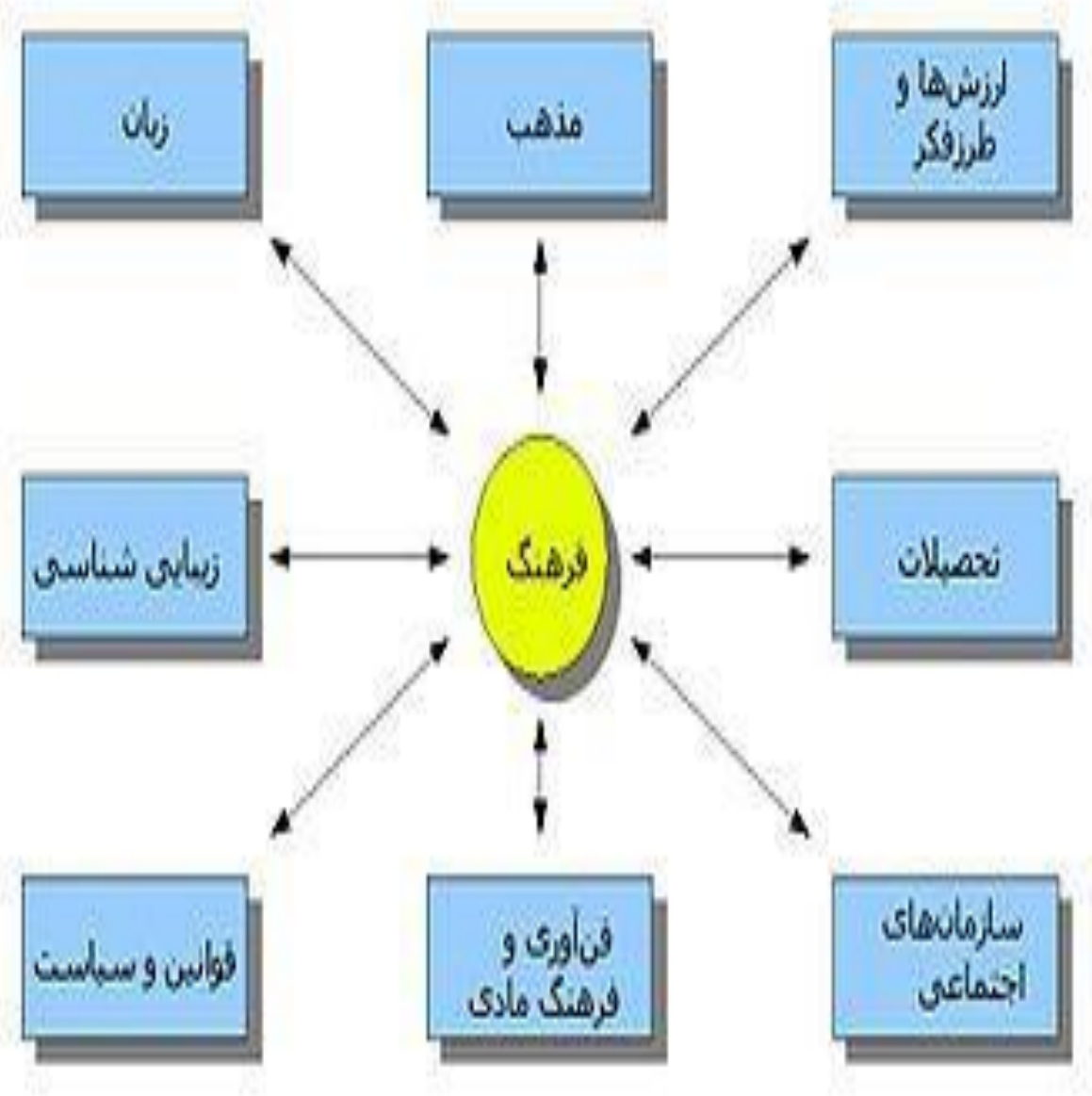
«توضیحات استاد:

فرهنگ به معنای پرورش دادن فکر و ذهن است علم و اطلاعات خود را بالا ببریم پرورش روح و معنوی پیدا کنیم به عنوان فرهنگ است.

گاهی اوقات فرهنگ را با CIVILIZATION اشتباه گرفته می شود یا مقایسه می شود با civilization یعنی تمدن»

فرهنگ با ارزش ها و مذهب و زبان و سیاست و سازمان ها و تحصیلات رابطه دارد.

فرهنگ یعنی آداب و رسوم سنت ها باورهای ما هر شهر یا کشوری برای خود آداب و رسوم هایی دارد lifestyle سبک زندگی»



یکی از تعاریف اولیه و مقبول درباره فرهنگ تعریفی است که **تایلور** مردم شناس انگلیسی در سال 1871 در کتاب **فرهنگ ابتدایی** بیان می کند.

وی فرهنگ را اینگونه تعریف می کند که:

• فرهنگ یا تمدن کلیات هم تافته و مجموعه پیچیده ای را که شامل دین ، صنایع ، فنون ، هنر ، قانون ، اخلاقیات ، آداب و رسوم و هرگونه استعداد و مهارت تکنیک و فنون است که انسان از طریق عضویت در جامعه کسب می کند و درقبال آن تعهداتی بر عهده می گیرد.

بنابراین اگر خواسته باشیم می توانیم بگوییم تایلور فرهنگ را به دو قسمت تقسیم نموده است:

1 - شامل عناصری همچون اعتقادات ، هنر ، اخلاق ، سنن ، آداب و رسوم و رفتار

2 - شامل صنایع ، فنون ، قوانین ، مقررات

•

انواع فرهنگ : هر فرهنگ 2 دسته است یا مادی یا غیر مادی

الف) فرهنگ مادی

محسوس و ملموس است مانند: شهرها ، بناها ، اشیاء

ب) فرهنگ غیر مادی (معنوی)

نامحسوس ، ناملموس و جنبه ی کیفی دارد

شامل

ارزشهای فرهنگی - هنجارهای فرهنگی - نماد - باورها

ارزشهای فرهنگی :

احساسات ریشه دار و عمیقی است که اعضای جامعه برآن شریک اند

. این ارزشها ، اعمال و رفتار جامعه را تعیین می کند .

بعد عملی ارزش های فرهنگی

نماد:

نشانه هایی که در یک جامعه شناخته شده است

باور:

باورها یا عقیده ها، اندیشه هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آنها اعتقاد دارد.

خرافات:

جمع واژه عربی خرافه است. معتقدات، باورها یا انجام کارهایی که هیچگونه ریشه عقلانی ندارند. خرافات به اسطوره ها و پیشگویی ها مربوط می شوند.

تعریف فرهنگ از نظر آقای هرسکوویتس

وی از 250 تعریف در خصوص فرهنگ در زمان خود یاد کرده و می گوید فرهنگ اساس بنایی است که مبین تمامی باورها، رفتارها، دانش ها، ارزشها و مقصدهایی است که شیوه زندگی هر ملت را مشخص می کند و سرانجام اینکه فرهنگ عبارتست از هرآنچه یک ملت دارد، آنچه انجام می دهد و آنچه می اندیشد.

ویژگیهای فرهنگ از نظر آقای هرسکوویتس:

- 1 - فرهنگ یک امر اکتسابی است
- 2 - فرهنگ عوامل طبیعی، روانشناسی و تاریخی زندگی انسان را در برمی گیرد
- 3 - هر فرهنگی دارای مشخصاتی است که مربوط به ترکیب و ساختمان جامعه است
- 4 - فرهنگ دارای جاذبه های متعدد است
- 5 - فرهنگ در طول زمان تغییر می کند
- 6 - فرهنگ های مختلف در روی زمین وجود دارند
- 7 - هر فرهنگ دارای قواعد و اصولی است که تحقیق علمی آنها عملی و میسر است
- 8 - فرهنگ یک وسیله سازگاری فرد با محیط خارجی خود و در عین حال وسیله ای برای ظهور امکانات خلاقه اوست.

(ناهید خوشنویس)

(به نام تعالی)

(فرهنگ عمومی)

انتقال فرهنگی

فرایندی است که بوسیله آن

فرهنگ از طریق آموزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود.

فرهنگ را به طریق زیستی نمی توان به ارث برد.

هر نسلی فرهنگ خویش را می آموزد و سپس آن را، همراه با تغییراتی که در عصر خود حاصل شده، به نسل بعد از خود م می آموزاند.

انتقال فرهنگی، تداوم فرهنگ را امکان پذیر می سازد.

در واقع تا زمانی که عوامل تغییر و دگرگونی فرهنگ، قوی و قدرتمند نباشند، اعضای جامعه در برابر دگرگونی فرهنگ مقاومت و مخالفت می کنند.

برای مثال در هر فرهنگی، شیوه خاصی برای لباس پوشیدن وجود دارد. فقط هنگامی این شیوه دستخوش تغییر می گردد که تحت تأثیر عوامل فرهنگی نو و جدید (نوآوری فرهنگی) قرارگیرد و از طرف اکثریت جامعه مورد پذیرش قرار گیرد.

اشاعه فرهنگی :

اشاعه فرهنگی به مجموعه تأثیرات فرهنگی گفته می شوداز جامعه ای به جامعه ی دیگر منتقل می شود

انباشت فرهنگی:

انباشت فرهنگی، زمانی روی می دهد که طی یک دوره معین چیزهای افزوده شده به فرهنگ بیش از چیزهایی باشد که طرد میگردند .

حتی در حالتی که در یک حوزه فرهنگی علاوه بر فرهنگ موجود جنبه هائی از فرهنگ سایر جوامع نیز افزوده شود، بدون آنکه جنبه ایی از فرهنگ موجود حذف شود، انباشت فرهنگی صورت گرفته است .

عناصر جدید از طریق ابداع، اکتشاف و یا اقتباس بر عناصر موجود افزوده میشود

ضربه فرهنگی :

فردی که تحت تأثیر محیط فرهنگی بیگانه است و بین مردمی زندگی می کند که در باورهای اساسی خود با او وجه مشترکی

ندارد دچار ضربه فرهنگی می شود

قوم مداری :

قوم مداری گرایشی است که برحسب آن افراد جامعه فرهنگ خود را برتر از فرهنگ دیگران می پندارند .

عادتها و سنتها ، غالباً ما را با استفاده از وجهه نظرهای اجتماعی ریشه دار، به قوم مداری ترغیب می کنند.

به این ترتیب هنگامی که اعضای یک گروه در باره دیگران به داوری می نشینند

(ناهید خوشنویس)

(به نام تعالی)

(فرهنگ عمومی)

پس افتادگی فرهنگی

برخی بر این عقیده اند که دگرگونی معمولاً تنها در فرهنگ مادی رخ می دهد .
مردم احتمالاً دگرگونی در تکنولوژی، بخش مادی فرهنگ را به آسانی می پذیرند، کمتر احتمال می رود که هنجارها، ارزشها، باور
داشتها سازمان اجتماعی شان را تعدیل کنند .

زیراعناصر غیر مادی فرهنگ نمی توانند پا به پای عناصر مادی آن دگرگون شوند و پیش روند.

گسست فرهنگی

فراموش کردن مسائل فرهنگی یعنی عدم انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر را گویند.

مفهوم شکاف نسلی به عنوان رایج ترین مفهوم و مسئله اجتماعی تعیین شده است

انواع فرهنگ

• صاحب نظران و فرهنگ شناسان، برای فرهنگ انواع یا سطوح مختلفی را ذکر می کنند و مبانی متفاوتی را برای تقسیم بندی در نظر می گیرند. یکی از تقسیم بندی ها بر مبنای دامنه شمولیت زمانی و جامعه تحت پوشش می باشد. در این تقسیم بندی انواع فرهنگ عبارت است از:

1- فرهنگ ملی

2- فرهنگ عمومی

3- فرهنگ تخصصی

4- سازمانی فرهنگ

«توضیحات استاد»

فرهنگ 3 جنبه دارد:

1- جنبه ی شناختی:

2- فرهنگ را بشناسیم. فرهنگ ایرانی به چه معناست، فرهنگ آمریکایی به چه معناست هر شخص در هر مکانی که زندگی

می کند نا خودآگاه فرهنگ آن جا را می شناسد.

3- فرهنگ مادی:

4- یعنی از چه ابزاری استفاده می کنند نوع وسایل حمل و نقل چیست.

5- فرهنگ سازمانی:

6- در هر جامعه ای هنجارها و ناهنجاری هایی وجود دارد برای این است که آن جامعه را قانون مدار کند.»

فرهنگ ملی: یعنی فرهنگ قدمت دار

• فرهنگی است که چندین نسل در آن مشترک اند و به عنوان عامل مؤثر در تعیین هویت ملت ها قلمداد می شود.

• **فرهنگ عمومی: یعنی فرهنگ به روز شده**

• فرهنگی است که وجوه مشترک زیادی با فرهنگ ملی دارد ولی در مظاهر فرهنگی با تغییرات متناسب با شرایط و مقتضیات

محیطی همراه است.

{ به یک معنا **فرهنگ عمومی**، ظهور و نمود **فرهنگ ملی** در دوره های زمانی کوتاه مدت و تحت تأثیر شرایط زمانی است }
• عموم افراد جامعه در فرهنگ عمومی مشترک اند.

• فرهنگ تخصصی:

• فرهنگی است که **بخشی از افراد** یک جامعه براساس حرفه و تخصص و حوزه شغلی خویش در آن مشترک اند.

• فرهنگ سازمانی: فرهنگی است که **اعضای یک سازمان** در آن مشترک اند.

• بی شک دنیای امروز، دنیای سازمان هاست و متولیان این سازمان ها انسانها هستند.

• به عبارت دیگر، فلسفه وجودی سازمان متکی به حیات انسان

• است. انسانها در کالبد سازمان ها روح می دمند آن را به حرکت

در می آورند و اداره می کنند

سازمانها بدون وجود انسان، نه تنها مفهوم نخواهد داشت، بلکه اداره آنها نیز میسر نخواهد بود.

انسان همواره از سازمان به عنوان ابزار و وسیله ای برای نیل به هدف های خود سود جسته است و در تلاش بوده است، تا براساس اهداف مورد نظر به ایجاد و گسترش سازمانهای مناسب بپردازد.

خرده فرهنگ: یعنی هر گروه به چند گروه اصلی برای خود خرده فرهنگی دارد که مختص ودشان است.

• در اصطلاح دانش مردم شناسی به **ارز شها** و **هنجارهای** متفاوت با ارز شها و هنجارهای گروه اکثریت که یک گروه درون **جامع های بزرگ تر** داراست.

• خرده فرهنگ ها قابل شناسایی و تغییر هستند و بیشتر به ارز شهای گروه **اقلیت** اطلاق می شوند.

خرده فرهنگ

- علاوه بر فرهنگ کلی حاکم بر هر جامعه، طبقات، قشرها و گروه‌های مختلف جامعه نیز دارای فرهنگ ویژه خود هستند که ریزفرهنگ یا خرده فرهنگ خوانده می‌شود.
- در تعریف خرده فرهنگ گفته‌اند: «خرده فرهنگ بر دستگامی از ارزشها، سلو کها، شیو ههای رفتار و طرز زندگی یک گروه اجتماعی که از فرهنگ مسلط جامعه «مفروض، متمایز ولی با آن مرتبط است، اطلاق می‌شود.
- با توجه به تعریف ذکر شده، به طور ساده می‌توان گفت **خرده فرهنگ، فرهنگی درون فرهنگ بزرگ تر است.**

شکل گیری خرده فرهنگ

- خرده فرهنگ ها را میتوان **شیوه هایی برای ابراز وجود دانست که گروههای مختلف، در تلاش جمعی برای مقابله با تضادهای طبقاتی،** به وجود می‌آورند و خود را غالباً در انتخاب سبک خاصی از پوشش، واژگان و زبان خاص و نوع خاصی از موسیقی نمایان می‌سازد.
- اما همانطور که ذکر شد خردهفرهنگها با وجود تفاوتهایی که با فرهنگ عمومی جامعه دارند، در عناصری با آن مشترک هستند.

• به طور سنتی، شکلگیری خردهفرهنگها در غرب با ویژگیهای طبقاتی و تضادهای ناشی از آن مرتبط دانسته میشود . اما زمینه های دیگری مثل خاستگاه قومی، محل سکونت، تعلقات دینی و متغیرهای مشابه نیز بر آن سهیم هستند، به عنوان مثال ویژگی های مردم یک استان از لحاظ گویش، آداب و رسوم، نحوه پوشش، مهمان نوازی، ازدواج و نظایر این فرهنگ ها آن ها را از سایر فرهنگها مشخص و متمایز می کند .این فرهنگ ویژه را خرده فرهنگ آن استان می گوییم در حالیکه جزیی از فرهنگ کشور تلقی می شود.

تمدن

- تمدن یعنی سبک زندگی مجموعه ای از انسان ها که در یک **دوره تاریخی** در یک **منطقه جغرافیایی** زندگی می کردند و دارای **اهداف مشترکی بودند و دستاوردهای خاصی** داشتند.
- در این تعریف سبک زندگی رکن اساسی تمدن است و همچنین تاکید می شود بر دوره تاریخی و منطقه جغرافیایی که دوره تاریخی می تواند کوتاه یا بلند و منطقه جغرافیایی می تواند کوچک یا بسیار وسیع باشد، **عنصر دیگر تعریف دستاوردها هستند که بدون آن تمدن معنای خود را از دست می دهد،** و همچنین یک جامعه بی هدف در تعریف تمدن نمی گنجد.

(ناهدید خوشنویس)

(به نام تعالی)

(فرهنگ عمومی)

رابطه بین دو واژه تمدن و فرهنگ

برخی تمدن و فرهنگ را مترادف یکدیگر بکار می برند.

• گروهی دیگر فرهنگ را در نقطهٔ مقابل تمدن قرار می دهد.

• در این مضمون، معنی فرهنگ تغییر کرده همه عقاید و آفرینش های انسانی مربوط به اسطوره، دین، هنر، و ادبیات را شامل می شود.

• حال آنکه تمدن به حوزه خلاقیت انسانی مرتبط با فن آوری (تکنولوژی) و علم اشاره می کند. خط، تکنولوژی، و علم

عمومی ترین معیارهای مورد استفاده بوده اند. همراه با این معیارها، از

خصوصیت های دیگری نیز استفاده ده است که در مشاهده تجربی، فرهنگ ها غالباً با آنها پیوستگی داشته اند. وجود شهرها،

• وجود ناهمگنی جمعیتی که بر اثر تقسیم پیچیده کار با هم مرتبط شده اند، و تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی.

خانواده

خانواده واحد اجتماعی دیگری است که باید از خانوار تمیز داده شود.

خانواده براساس روابطی تعریف می شود که - از عمل تولد و تناسل نشأت می گیرد و قانون یا رسومی ناظر آن است.

روابط اصلی خانواده رابطه هائی است که بین زن و شوهر از یک سو و والدین و فرزندان از سوی دیگر برقرار می شود.

در تعریف خانواده گفته می شود که 'نخستین سلول یا واحد زندگی اجتماعی و یک از اساسی ترین نهادهای جامعه است مرکب از زن و مرد که ممکن است کودکانی هم داشته باشند.

روابط زناشویی و خویشاوندی معینی که مورد قبول جامعه است و حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر از ویژگی های

خانواده شمرده می شود'

تعریف خانوار

تعریف خانوار با خانواده متفاوت است.

خانوار واحد آماری است که دارای مشخصات اجتماعی و اقتصادی خاصی می باشد و از افرادی تشکیل می شود که در یک

'کانون' زندگی می کنند.

زیر یک سقف می خوابند و سر یک سفره و یا میز غذا می خورند، اقتصاد مشترک دارند یا ندارند، روابط جنسی دارند یا ندارند.

بدین جهت شخص مجردی هم که به تنهایی زندگی می کند، تشکیل خانوار می دهد، هرچند که ممکن است خدمتکاری در خانه با او زندگی کند.

از انواع دیگر آن، دانشجویانی هستند که در یک خوابگاه زیر یک سقف زندگی می کنند و یا سربازانی که در یک سربازخانه به سر می برند.

تفاوت خانوار و خانواده

-خانوار یک مفهوم جمعیت شناختی است در حالیکه خانواده مفهومی است.

جامعه شناختی

-در تعریف خانوار شرط خویشاوندی وجود ندارد اما اساسی ترین عنصر تعریف خانواده وجود گونه ای خویشاوندی میان اعضای آن است.

-یک نفر به تنهایی می تواند ب هعنوان خانوار مستقل در نظر گرفته شود در صورتی که صحبت از خانواده ُ یک نفری درست نیست اگرچه در مطالعات جمعیتی مربوط به خانواده ُ، خانوار یک نفری را به جای خانواده ُ یک نفری قرار می دهند.

-هر خانواده ای خانوار است اما هر خانوار نمی تواند الزاما خانواده باشد زیرا خانوار مفهومی است اعم.

(۱۹۹۴) متحد ملل سازمان

نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف می کند:

خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره ای اطلاق م یشود که»

با هم زندگی می کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند.

در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، خانواده نیستند.

انواع خانواده

مطالعه در تاریخ تحول خانواده و انواع و اشکال آن در جوامع

معاصر جهان، نشان می دهد که خانواده از نظر کاربرد، کارکرد، شیوه معیشت و ساخت، انواع مختلفی به خود دیده و به اشکال متنوعی درآمده است.

انواع خانواده

۱- خانواده زیستی

۲- خانواده آماری

۱- از نظر کاربرد

۱- خانواده جهت یابی

۲- خانواده فرزندزایی

۲- از نظر کارکرد

۱- خانواده شهری

۲- خانواده روستایی

۳- خانواده عشایری

۳- از نظر شیوه معیشت

۱- خانواده هسته‌ای

۲- خانواده گسترده

۳- خانواده باملحقات

۴- از نظر ساخت

۱- خانواده نخستین

۲- خانواده سومین

۳- خانواده بی فرزند

۴- خانواده ناقص

۱- مری

۲- طلاق

۳- ترکی

۴- طرد

۴- خانواده گسیخته

از نظر کاربردی

که در دانش های مختلف دارد، خانواده را به دو صورت **'زیستی'** (گروه متشکل از پدر و مادر و فرزندان) و **'آماری'** (افرادی که با هم در زیر یک سقف زندگی می کنند و دور یک سفره غذا می خوردند و اقتصاد مشترک دارند) تقسیم می کنند.

خانواده از دیدگاه کارکردی که برعهده دارد به دو شکل **'جهت یابی'** (خانواده ای که کودک در آن به دنیا می آید و بزرگ می شود و گرایش ها و سوگیری های خود را از آن کسب می کند) و **'فرزندزائی'** (خانواده ای که زن و شوهر و فرزندان آنان تشکیل می شود و کارکرد اصلی آن تولیدمثل است) تقسیم می گردد.

از نظر شیوه معیشت و نحوه زندگی، خانواده به سه شکل **'شهری'**، **'روستائی'** و **'عشایری'** تقسیم می شود که در عین وجود تشابهات فراوان بین اشکال متفاوت خانواده در این سه قلمرو، از دیدگاه های مختلف تمایزهایی نیز میان آنها وجود دارد. از نظر ساخت خانواده و روابط افراد در درون آن، انواع چهارگانه زیر قابل تشخیص است:

nuclear خانواده هسته ای

خانواده هسته ای یا خانواده زن و شوهری

(خانواده ای است مرکب از یک زن و یک مرد با تعدادی فرزندان ازدواج نکرده).

در خانواده هسته ای حداکثر دو نسل وجود دارد و از نظر قدرت

تصمیم گیری ممکن است مستقل، نیمه مستقل و وابسته به شبکه خویشاوندی و خانواده گسترده باشد.

extended2* خانواده گسترده

خانواده توسعه یافته، خانواده ای است که از یک زن و مرد اصلی

فرزندان ازدواج کرده و نکرده آنان، همسر و کودکان فرزندان ازدواج کرده و خویشاوندان و وابستگان دیگر تشکیل می شود.

خانواده گسترده معمولاً شامل دو یا چند هسته زناشویی است و در آن بیش از دو نسل زندگی می کنند.

خانواده گسترده انواع زیادی دارد که نمونه رایج آن در ایران خانواده 'خانواده پدری توسعه یافته' است.

گونه ای از خانواده هسته ای است که یک یا چند نفر از خویشاوندان زن یا شوهر با اعضای آن زندگی می کنند. از نظر اقتدار داخل خانواده و اداره امور آن، اعضای خانواده تابع خانواده اصلی (هسته ای) و رئیس آن هستند و همین نکته است که تمایز آن را با خانواده گسترده نشان می دهد.

خانواده ناقص

ارکان و عناصر اصلی خانواده

خانواده (مرد، زن و کودک) را نداشته باشد.

از خانواده های ناقص می توان به 'خانواده نخستین' (زن و شوهری جوان نوبیوند و بدون فرزند)،

'خانواده سومین' (خانواده زن و شوهر سالخورده که فرزند آنها پس از ازدواج خانواده را ترک کرده اند)،

'خانواده بی فرزند' (خانواد های که به علت عقیم بودن مرد و نازائی زن فرزندی ندارد)

و 'خانواده گسسته' یا از هم گسیخته (خانواده ای که به علت مرگ یکی از زوجین یا طلاق یا ترک و یا طرد خانواده و مهاجرت و غیره، زن یا شوهر را نداشته باشد) اشاره کرد.

همچنین در برخی جوامع مفاهیم دیگری از خانواده وجود دارد که روابط سنتی خانواده را کنار گذاشته اند. خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی جامعه پذیری، در جامعه شناسی خانواده مورد بررسی قرار می گیرد.

تبارشناسی رشت های است که دودمان های خانوادگی را در تاریخ مطالعه می کند.

تحول معنایی خانواده

ورود جوامع انسانی به عصر صنعتی و فراصنعتی به تدریج و در سیری منظم و بی وقفه، با رواج ارزش های جدید، نظیر فردگرایی، و زوال ارزش های دیگر، همچون حرمت روابط جنسی خارج از قاعده ازدواج و فرزندآوری بدون ازدواج، همگام شد و طبیعتاً خانواده اصلی ترین عنصر اجتماعی، متأثر از این روند بوده است.

کارکرد خانواده در جامعه صنعتی و فراصنعتی فرد را از تشکیل و حفظ روابط خانوادگی پیچیده و گسترده بی نیاز نمود.

رواج تخصص محوری که نیاز به تحصیل تا سنین بالا با شرط استقلال و فراغت از سایر امور را به همراه دارد و رنگ باختن ارزش

های اخلاقی در برابر دانش علمی و تجربی، گسترش رفاه و بی نیازی از روابط تنگاتنگ خویشاوندی، گسترش سیستم آموزش همگانی که کارکرد خانواده به عنوان نهاد تربیتی را هرچه کمرنگ تر کرده است، توسعه بخش های اقتصادی تولیدی و خدماتی تخصصی که کارکرد دیگر خانواده، یعنی نقش تولید کننده، و لذا ارتباطات تنگاتنگ و همبستگی متقابل خانواده را به شدت

(ناهید خوشنویس)

(به نام تعالی)

(فرهنگ عمومی)

زیر سؤال برده است، همه و همه عامل تغییر کارکرد و متعاقب آن، تعاریف هستند «خانواده» مفهومی و حقوقی از واژه «خانواده» هستند.

انواع مهاجرت

migration مهاجرت

به مثابه ادامه منطقی توزیع و ترکیب نهائی و جاب هجائی جمعیت در مکان جغرافیائی، مهم ترین شکل تحرک مکانی جمعیت است که در تمام ادوار تحولات جامعه وجود داشته و در برخی از مراحل تکامل اجتماعی آن اهمیت به سزا پیدا می کند.

دوره انتقال جامعه از نظا مه‌های ماقبل صنعتی به نظام مبتنی بر صنعت شاهد حرکت های کلان از **مناطق روستائی به نقاط شهری** و از **سرزمینهای کم توسعه به مناطق توسعه نیافته** است که در بسیاری از جوامع شکل حادی پیدا می کند و از **حالت 'پدیده اجتماعی' (social phenomenon) به صورت 'مسئله اجتماعی'**

social problem تبدیل می شود.

به طور کلی، واژه مهاجرت در مفهوم جابه‌جائی و انتقال جمعیت در مکان با تحرک جغرافیائی جمعیت استعمال می شود.

در تعریف مهاجرت باید مفهوم عام کلمه را از مفهوم خاص آن جدا کرد

مهاجرت به معنای عام کلمه عبارت است از

ترک سرزمین اصلی و سکونت در سرزمین دیگر به طور موقت یا دائم

و مهاجرت به معنای خاص آن عبارت است از

نقل مکان انفرادی یا جمعی انسان‌ها با تغییر محل اقامت به طور دائم یا برای مدتی طولانی (بیش از یک سال)

توضیحات استاد:

مهاجرت را در کل به عنوان یک پدیده اجتماعی می دانند. گاهی اوقات این پدیده به عنوان مسئله اجتماعی محسوب می شود

(مشکل اجتماعی) یا برای جایی که مهاجر فرست است یا مهاجر پذیر است کشوری که من از آن مهاجرت می کنم مهاجر

فرست است.

(ناهدید خوشنویس)

مهاجرت در معنای عام شامل

مهاجر ته‌های موقت روزانه،

مهاجرت های فصلی برای کار

، مهاجر ته‌های میان مدت و بلند مدت و مهاجرت دایمی می‌گردد

اما دو گونه نخست در تعریف خاص مهاجرت داخل نمی‌شوند.

مهاجرت در مفهوم جمعیت شناختی با کوچ مداوم انسان در جوامع ابتدائی و کوچ عشایری و همچنین حرکات جغرافیائی کوتاه

مدت مانند سفر یا مسافرت متمایز است و در مورد جمعیتی تهائی به کار می‌رود که نسبتاً استقرار یافته‌اند.

از آنجا که در جمعیت شناسی انجام مطالعات مربوط به مهاجرت در کل کشور دشوار می‌باشد، به منظور امکان

بررسی، به کسی که محل اقامت فعلی و محل تولد او یکی نباشد مهاجر اطلاق می‌شود.

در این تعریف مدت مهاجر بودن را ده سال در نظر می‌گیرند.

گونه دیگر طبقه‌بندی مهاجرت از ویلیام پترسون است که در این مورد پنج نوع مهاجرت اصلی تشخیص می‌دهد:

نوع مهاجرت اصلی تشخیص می‌دهد:

۱- ابتدائی،

۲- اجباری،

۳- غیراختیاری،

۴- اختیاری

۵- و جمعی

۱- مهاجرت ابتدائی

کوچ سرگردانان مانند شکارگران، گردآورندگان خوراک و شبانکارگان را در برمی‌گیرد؛

۲- مهاجرت اجباری

به انتقال یا جاب‌هجائی مردم به وسیله دولت اشاره دارد؛

۳- مهاجرت غیراختیاری،

مهاجرت قدرت تصمیم دارند ولی بنا بر هعللی وادار به مهاجرت می‌شوند؛

۴- مهاجرت اختیاری

معمولاً به تحرک افرادی که انگیزه یافتن چیزهای تازه، حادث هجوئی و بهبود زندگی دارند اطلاق می‌شود؛

۵- مهاجرت جمعی زمانی صورت می‌گیرد که به شکل یک شیوه و الگوی گروهی باشد

<ul style="list-style-type: none"> ۱- عادی و طبیعی و با برنامه ۲- بیرویه و کنترل نشده 	<ul style="list-style-type: none"> ۱- از نظر برنامه ریزی
<ul style="list-style-type: none"> ۱- فردی ۲- جمعی و خانوادگی 	<ul style="list-style-type: none"> ۲- از نظر تعداد افراد
<ul style="list-style-type: none"> ۱- موقت و کوتاه مدت ۲- دائم و بلند مدت 	<ul style="list-style-type: none"> ۳- از نظر زمان مهاجرت
<ul style="list-style-type: none"> ۱- نزدیک ۲- دور 	<ul style="list-style-type: none"> ۴- از نظر مسافت طی شده
<ul style="list-style-type: none"> ۱- ارادی ۲- اجباری 	<ul style="list-style-type: none"> ۵- از نظر خواست مهاجرین
<ul style="list-style-type: none"> ۱- شهر به شهر ۲- روستا به شهر ۳- روستا به روستا 	<ul style="list-style-type: none"> ۶- از نظر قلمرو و سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> ۱- داخلی 	
<ul style="list-style-type: none"> ۱- منطقه‌ای ۲- درون قاره‌ای ۳- میان قاره‌ای 	<ul style="list-style-type: none"> ۲- خارجی

انواع مهاجرت

(ناهید خوشنویس)

(به نام تعالی)

(فرهنگ عمومی)

انواع مهاجرت

در مطالعه مهاجرت و انواع آن، صاحب نظران جمعیتی به گونه هائی اشاره کرده و به طبقه بندی هائی دست زده اند.

عده ای در بررسی های خود، از مهاجرت های طبیعی یا عادی (الف) و بی رویه یا کنترل نشده (ب)

سخن به میان می آورند و منظور آنها از این مقوله ها از یک سو آن است که آیا مهاجرت افراد برنامه ریزی شده و منظم است یا

بی برنامه و غیرمنظم، و از سوی دیگر اینکه آیا مهاجرت به عنوان یک پدیده عادی و بهنجار مطرح است یا به صورت یک

مسئله مرضی و نابهنجار.

انواع مهاجرت بر اساس

زمان مهاجرت:

از این نظر، دو نوع مهاجرت دیده می شود:

کوتاه مدت (موقت) و بلند مدت (دایمی یا برای مدت زیاد).

مسافت طی شده:

از این دیدگاه، دو نوع مهاجرت وجود دارد:

مهاجرتهای نزدیک و مهاجرتهای دور.

خواست مهاجرین:

از این لحاظ، دو نوع مهاجرت دیده می شود:

مهاجرت ارادی و خودخواسته که معمولاً به صورت انفرادی برای بهبود زندگی و یافتن کار صورت می گیرد،

مهاجرت اجباری که ب ه صورت انفرادی یا جمعی به دلیل ضروتهای اقتصادی، سیاسی و غیره انجام می پذیرد

قلمرو سیاسی:

در رابطه با حدود ملی و سیاسی یک کشور به دو نوع مهاجرت برخورد می کنیم: داخلی و خارجی.

مهاجرتهای خارجی

internalmigration

مهاجرتهای داخلی

external migration

می توانند در سه سطح مورد مطالعه نیز در سه لایه دیده

شهر به شهر منطقه ای

روستا به شهر درون قاره ای

روستا به روستا میان قاره ای

می شوند قرار گیرند:

در مورد یک سرزمین، مهاجرت خارجی یا 'برون مرزی' متضمن عبور از مرزهای آن سرزمین است. هرگاه سرزمین مورد بحث کشور مستقلی باشد، عبور از مرزهای آن 'مهاجرت بین المللی international migration' می خوانند. مهاجرت در داخل یک کشور، یعنی حرکت از یک قسمت را کشور به قسمت دیگر آن را مهاجرت داخلی یا 'درون مرزی national migration' می خوانند.

در مهاجرتهای بین المللی مهاجران را به چهار گروه عمده تقسیم می کنند:
۱. مهاجران دایمی که در شرایط خاص زمانی به برخی از کشورها می روند.

فرار مغزها'

brain drain (یا مهاجرت صاحبان تخصص و علم از این دسته اند.

۲. مهاجران در جستجوی کار که عمده ترین مهاجران بین المللی را تشکیل می دهند.

۳. مهاجران غیرقانونی و بدون مجوز که ب هعلت وجود موانع در جهت رفت و آمد مجاز، به این نحو عمل می کنند.

۴. آوارگان جنگی و سیاسی و پناهندگان که در شرایط و وضعیتهای وخیم در برخی از کشورها دیده می شوند.

ویژگی های مهاجرت

مطالعات مهاجرتی حاکی از آن است که هر یک از انواع مهاجرت در عین مغایرت با گونه های دیگر، از منطقه ای به منطقه دیگر نیز متفاوت است.

با توجه به این ویژگی ها است که ضرورت بررسیهای مهاجرتی در 'مناطق همگون' احساس و توصیه می شود.

از آنجا که از میان انواع مختلف مهاجرت، در کشور ما نوع روستا شهری مهاجرت های درون مرزی اهمیت بیشتری دارد، برخی از ویژگی های مهاجرت عبارت است از:

نخستین ویژگی مهاجرتی روستائی ایران 'مردگزینی' آن است، یعنی بیشترین تعداد مهاجرین را مردان تشکیل می دهند.

'- جوان گزینی' خصلت دیگر مهاجرت های ایران است زیرا درصد جوانان در میان مهاجران بیشتر است.

(ناھید خوشنویس) (به نام تعالی) (فرهنگ عمومی)

-مهاجرت های روستا شهری ایران در ابتدای امر 'مجردگزين' است و متأهلین در میان مهاجران درصد کمتری را به خود اختصاص می دهد.

متغیر 'سواد' با مهاجرت همبستگی نزدیکی نشان می دهد، به طوری که ۵۷ درصد مهاجران را باسوادان تشکیل می دهند. -مهاجرت های ایران، بیشتر به صورت فردی صورت می گیرد تا جمعی و به شکل خانوار (۷۵ درصد در برابر ۲۵ درصد).

-از میان مهاجرت های روستا شهری ایران ۳۹ درصد مهاجرت موقت، ۳۷ درصد مهاجرت فصلی و ۲۴ درصد مهاجرت دائم بوده است.

بیشتر مهاجرت های موقت فردی است و اکثر مهاجرت های دائم جمعی.

-اکثریت قریب به اتفاق مهاجران روستائی، همانند کشورهای رو به توسعه دیگر، متوجه چند شهر بزرگ کشور هستند.

-مطالعه نشان می دهد که اکثر (۸۰ درصد) حاشی هنشینان شهرها رامهاجران روستائی تشکیل می دهند.

-مستعدترین گروه مهاجران از لحاظ تصمیم گیری به مهاجرت، خوشنشینان روستائی هستند (۸۸ درصد).

-از میان مهاجرانی که منشاء دهقانی دارند، ۹۰ درصد از دهقانان

۵۰ درصد از دهقانان خرده پا و یک درصد از دهقانان توانگر هستند.

بیشترین درصد علت های مهاجرتی را عوامل اقتصادی به خوداختصاص می دهند(حدود سه چهارم)و از میان آنها کار و کار

بهتر مهم ترین هدف مهاجران روستائی است ۵۵ (درصد). درصد بالائی از مهاجران ۳۲ (درصد)در مقصد مهاجرت به کارهای

ساده و مشاغل کاذب مشغول می شوند.

-در بسیاری از موارد، وجود امکانات زیستی، بهداشتی، آموزشی و رفاهی و همچنین تسهیلاتی مانند راه، با میزان مهاجرت

(برون کوچی) مردم رابطه معکوس نشان می دهد.

شاید بیشتر تعجب کنید اگر بدانید بر طبق آخرین گزارش ها برنامه توسعه سازمان ملل متحد مهاجرت به نفع کشورهای فقیر

نیز می باشد.

همانند آنچه که در بازار آزاد جهانی وجود دارد اینطور به نظر می رسد که نیروی کار مازاد کشورهای خود را که تقاضا برای آن

ها کم است ترک کرده و به کشورهایی می روند که تقاضا برای آن ها زیاد است.

-مهاجر تهای بین المللی منجر به کسب مهارت و آموزش می شود.

(ناهدید خوشنویس)

(به نام تعالی)

(فرهنگ عمومی)

مزایای مهاجرت برای کشورهای مثل کانادا که نرخ تولد در آن پایین

است به وضوح قابل مشاهده است.

طبیعی است که کشورهای فقیر تمایلی به از دست دادن نیروهای متخصص ندارند؛ اما راه حل این مشکل این نیست که نیروی کار آماده در جایی باشد که به کار گرفته نشود یا محروم از کار کردن باشد در واقع شواهدی موجود است که مهاجرت های این چنین موجب مساعدت به کشورهای فقیر است.

پناهندگی

پناهندگی نوعی از مهاجرت خارجی است که عوامل دافعه در مبداء؛ مردم را مجبور به نقل مکان می کند

به عنوان نمونه، تشکیل دولت اسرائیل زمینه ساز پناهندگی بسیاری از فلسطین یها به اردن، مصر، سوریه و لبنان شد. حمله شوروی به افغانستان و جنگ های داخلی در آن کشور، باعث پناهندگی افغان ها به ایران و پاکستان گردید.

خشک سالی، قحطی و جنگ های داخلی باعث پناهندگی سکنه اتیوپی به کشورهای مجاور شد.

فرار مغزها

به پدیده مهاجرت گسترده تحصیل کردگان، دانشگاہیان و دانشمندان یک کشور یا جامعه به کشورهای دیگر، اصطلاحاً فرار مغزها گفته میشود، که معمولاً به خاطر کمبود موقعیت های شغلی، درگیری های سیاسی و نظامی، و خطرات جانی رخ می دهد

بی خانمانی

بی خانمان یا بی سرپناه به کسانی گفته می شود که **خانه و سرپناهی** دائمی برای زندگی و **آسایش** ندارند.

افراد بی خانمان اغلب از داشتن و حفظ مسکن مناسب، امن، ایمن و متعارف محروماند. تعریف قانونی ب بی خانمانی در کشورهای مختلف یا در حوز ههای قضایی یک کشور واحد متفاوت است.

واژه بی خانمان را میتوان در مورد افرادی به کار برد که اقامت شبانه آن ها به یکی از این شکل هاست

۱: پناهگاه بی خانمان ها،

۲ خانه امن در برابر خشونت خانگی،

۳ اقامت بلندمدت در مسافرخانه،

(ناهید خوشنویس)

(به نام تعالی)

(فرهنگ عمومی)

4 خودرو، املاک تصرف شده،

5 جعب ههای مقوایی،

6 شهرک های مملو از چادر،

7 سرپنا ههای برزنتی ساخته شده از مواد دورریختنی

8 یا هر شکل دیگری از مسکن سرهم بندی شده

دولت ایالات متحده در سرشماری بی خانمان ها این گروه را هم جزء بی خانمان ها در نظر می گیرد:
افرادی که در مکان های عمومی یا خصوصی می خوابند که برای کاربری غیر از خوابیدن متعارف انسان ها طراحی شده است.
در ایران بی خانمانی تعریف قانونی مشخصی ندارد و به واسطه پیوند آن با **تکدی گری جرم محسوب** می شود.

تنها قانون بالادستی موجود در زمینه بی خانمانی مصوبه طرح شناسایی و جمع آوری « شورای عالی اداری با عنوان است که در اردیبهشت « افراد متکدی ۱۳۷۸ تصویب شده اصلاح ساختار و ایجاد هماهنگی در فعالیت « و هدف آن دستگاه های اجرایی و ارتقاء کارایی و بهبود روش های مربوط به مبارزه با تکدی و جم عآوری، شناسایی و تعیین وضعیت افراد بی سرپرست، گمشده، متواری، درراه مانده و موارد مشابه و همچنین تنظیم وظایف دستگاه های عمومی و ذکر شده است.

افراد مشمول مصوبه عبارت اند از

• افراد معلول و ناتوان (اعم از جسمی و ذهنی)، « بی سرپرست

• مجهول الهویه ،

• درراه مانده،

• گمشده، متواری،

• افراد نیازمند غیرحرفه ای ،

• متکدیان و ولگردان حرفه ای

تعریف قومیت:

گروه هایی که از لحاظ

• زبان، مذهب، رنگ، پوست و نژاد

• با گروه های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند،

• گروه های قومی قلمداد میشوند

آنتونی اسمیت نیز ملاکهای متنوعی را در تعریف مفهوم گروه قومی به کار می برد.

(فرهنگ عمومی)

(به نام تعالی)

(ناهید خوشنویس)

• یک : « قوم در تعریفی کارآمد و کوتاه از نظر وی عبارت است از

جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت

بنا بر این مهمترین خصوصیات یک قوم را میتوان در موارد زیر دانست.

۱- نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکانی اسطوره ای

۲- نام مشترک

۳- سرزمین مشترک

۴- زبان مشترک

۵- فضاهای مشترک زیستی

۶- آداب و رسوم مشترک

۷- ارزشهای مشترک

۸- احساس تعلق به گروه واحد

تعریف مردم شناسی

• مردم شناسی از جمله علوم اجتماعی عام است که به

• علم مطالعه زندگی انسان در مراحل ابتدائی تعریف شده است.

• و جنبه های گوناگون انسان شناسی و فرهنگ شناسی را مورد توجه قرار می دهد.

• آنچه مردم شناسی کنونی را از دیدگاه های کهن جدا می سازد و میان

این دو مرز می کشد، همانا روش تحقیق علمی است.

• مردم شناسی علم است و از این رو قادر به تبیین، پیش بینی و کنترل

روابط پایدار بین نموده های حوزه فرهنگ انسانی یا جامعه بشری است.

تعریف مردم شناسی

• این رشته، اکنون برای مطالعه جوامع ابتدایی و انسان فسیل در کنار انسان شناسی جسمانی به کار می رود.

• مردم شناسی زندگی اجتماعی و حیات فکری و فرهنگ انسان را با توجه به سیر تاریخی و مناسبات طبیعی و اجتماعی بررسی می کند و ویژگی های جسمانی و زندگی فکری و فرهنگی انسان های نخستین و جوامع ابتدایی را می کاود. می توان گفت این علم آئینه تمام نمای جامعه معاصر است یعنی می تواند علل به وجود آمدن سازمان ها و بنیان های کهن فرهنگی جامعه بشری را که برخی در جوامع معاصر رایج و برخی دیگر متروک شده اند کشف نماید.

«توضیحات استاد:

مردم شناسی فرهنگ ها را بررسی می کند فرهنگ یک جامعه را بررسی می کند، بررسی این که چرا یک فرهنگ تغییر کرده است در مردم شناسی روشی است به اسم مردم نگاری در مردم شناسی اگر قرار باشد تحقیقی انجام شود به عهده ی مردم نگاری است.

بعد از تحقیقی مردم شناسی مردم نگاری است.»

مردم نگاری

مردم نگاری یکی از مه مترین روش های پژوهش در مطالعات مردم شناسی است . در اواخر قرن ۱۸ به منظور شناخت شیوه زندگی مردم قاره های دیگر به وسیله اروپائیان به کار برده شد و در قرن ۱۹ رونق گرفت. بر مشاهده همراه با مشارکت در زندگی جامعه مورد مطالعه، مصاحبه و توصیف مبتنی است و با روش های کمی، پرسشنام های و مبتنی بر آمار در سایر علوم انسانی تفاوت دارد. در پژوهش مردم نگاری، زمینه پژوهش و گروه انسانی باید محدود و کوچک باشد تا تعداد محدودی پژوهشگر از این طریق بتوانند منطقه را مورد مطالعه قرار دهند. از این روست که مطالعه مونوگرافی (تک نگاری) در حوزه مطالعات مردم شناسی اهمیت بسیار دارد.

• هر منظومه‌ی معرفتی را که به بررسی انسان و یا بعد یا ابعادی از وجود انسان و یا گروه و قشر خاصی از انسانها می پردازد، می توان انسان شناسی نامید.

• انسان شناسی انواع مختلف و متنوعی دارد که به لحاظ روش و یا نوع نگرش، از یکدیگر متمایز می شوند.

«توضیحات استاد:

انسان شناسی یک مجموعه ای است که مردم شناسی زیر مجموعه آن است انسان شناسی هم فرهنگ را بررسی می کند هم

تاریخ هم جغرافیا از لحاظ زیستی هم بررسی می کند یعنی هر علم و هر موضوعی که به انسان برمی گردد در انسان شناسی

است.»

انواع انسان شناسی

انسان شناسی را می توان بر اساس

روش به انسان شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی تقسیم کرد و با توجه به نوع نگرش، به انسان شناسی کلان یا کل نگر و انسان شناسی خرد یا جزء نگر دسته بندی نمود.

1) انسان شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی در طول تاریخ بشر، اندیشمندان برای حل معماها و پرسشهای مطرح شده درباره انسان، راههای مختلفی را در پیش گرفته اند؛ برخی به بررسی مسأله با روش تجربی پرداخته و انسان شناسی تجربی را بنیان نهاده اند که در برگیرنده ی همه رشته های علوم انسانی است

گروهی راه صحیح شناخت انسان را سیر و سلوک عرفانی و دریافت شهودی دانسته و با تلاشهایی که از این طریق انجام داده اند به نوعی شناخت از انسان که می توان آن را انسان شناسی عرفانی نامید دست یافته اند.

جمعی دیگر، از راه تعقل و اندیشه ی فلسفی به بررسی زوایای وجود انسان دست یازیده و انسان را از این منظر مورد تحقیق قرار داده و نتیجه تلاش فکری خود را انسان شناسی فلسفی نامیده اند.

و سرانجام گروهی با استمداد از متون دینی و روش نقلی درصدد شناخت انسان برآمده و انسان شناسی دینی را پایه گذاری کرده اند.

2) انسان شناسی خرد و کلان

مجموعه بحث و بررسی های انجام یافته در مورد انسان را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: گاهی در بررسی انسان بعدی خاص، گروهی به خصوص و یا انسانهای زمان یا مکان ویژه ای مورد نظر قرار گرفته و دانشمندان درصدد طرح سؤال و یافتن پاسخ در آن خصوص بر می آیند. و گاهی انسان به طور کلی و با صرف نظر از بعد، شرایط، زمان و مکان خاص، کانون توجه کاوشگران و پژوهشگران قرار می گیرد و در پی یافتن رمز و راز آن بر می آیند. انسان شناسی نوع نخست را انسان شناسی خرد یا جزء نگر و انسان شناسی نوع دوم را انسان شناسی کلان یا کل نگر می توان نامید.

«توضیحات استاد:

کلان و خرد در انسان شناسی اگر انسان شناسی یک علم را فقط بررسی کند می شود خرد چند علم را بررسی کند می شود کلان هر چقدر گسترده تر باشد می شود کلان جزء تر باشد می شود خرد.»

تفاوت انسان و مردم شناسی

- رادکلیف براون مردم شناس انگلیسی، با در نظر گرفتن مسائل مربوط به تاریخ و جغرافیا گفت: **مردم شناسی** عبارتست از مطالعه و تحقیق همه جانبه در باره فرهنگ جامعه.
- **انسان شناسی** عبارتست از: مطالعه و تحقیق ویژگیهای انسان طبیعی (فیزیکی و زیستی) در میان اقوام و نژاد های مختلف از یک سو و ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی از سوی دیگر.

کوچ

منظور از کوچ و کوچ نشینی نوعی زندگی است که در آن به دلیل اتکا به شغل دامداری به منظور بهره گیری از منابع طبیعی ناچار به حرکت و جابه جایی از نقطه ای به نقطه ی دیگر میباشد.

اگر چه فعالیت‌های جانبی دیگر مانند کشاورزی و صنایع دستی نیز در این جامعه رواج دارد. امروزه در مملکت ما اصطلاحات مختلف نظیر: عشایر کوچ نشینی، گله دار، ایلداری، چادر نشین و غیره به کار برده می شود که همگی دال بر زندگی کوچ نشینی است.

انواع کوچ

کوچ های عشایری معمولا از نظر چگونگی کوچ و موقعیت جغرافیایی محل و محدوده حرکت به دو دسته تقسیم میشوند: کوچ افقی و کوچ عمودی
کوچ عمودی:

• در این نوع کوچ مهاجرت از دشت به کوهستان صورت می گیرد. به عبارت دیگر کوچ از ارتفاعات بالا به پایین و بالعکس انجام می شود.

• به دلیل شرایط آب و هوایی دسته ای از عشایر زمستان را در زمین های پست و تابستان را در ارتفاعات کوهستانی به سر می برند.

• از خصوصیات این نوع کوچ کوتاه بودن طول مسیر کوچ است.

• عشایر ممسنی ایلات سنگسری-پروری -دارای این نوع کوچ هستند.

کوچ افقی:

• در این نوع کوچ عشایر معمولاً مسافت زیادی را طی می کنند که این مسیر حد فاصل چند شهرستان و یا استان را شامل میشود.

• در بعضی از مناطق این مسافت به هزار کیلومتر هم می رسد.

این دسته از عشایر در طول مسیر کوچ از این مراتع استفاده میکنند. این

گروه بر خلاف دسته قبل در ییلاق و قشلاق دارای اراضی کشاورزی و باغات کمتری میباشد و عموماً عشایر کوچرو هستند.

• ایلات قشقایی و خمسه در استان - طوایف چادر نشین کرمانشاه کردستان و ایلام دارای این نوع کوچ هستند.

کوچ افقی به دو محدوده جغرافیایی قابل تقسیم است:

1- کوچ درون استانی که در محدوده یک یا چند شهرستان

واقع در حوزه یک استان صورت میگیرد.

2- کوچ برون استانی که فراتر از یک استان در محدوده چند شهرستان یا چند استان صورت میگیرد.

تعریف کوچ عشایر

• عبارت است از جابجایی و حرکت افراد و خانوارهای عشایری بین قلمروهای ییلاقی (سردسیر) و قشلاقی (گرمسیر) که با هدف

دسترسی به علوفه مرتعی تازه برای اهتراز از گرما و سرمای شدید انجام می گیرد.

• کوچ عشایر معمولاً با شرکت همه افراد خانوار، بار و بنه و سرپناه قابل حمل در قالب رده های ایلی و یا امروزه به صورت

انفرادی و تک خانواری صورت می گیرد.

• کوتاه و بلند بودن مسیر کوچ، تغییری در مفهوم کوچ عشایر به وجود نمی آورد.

توضیحات استاد:

کوچ نشین ها مون زندگیشان 2 مدل است ییلاق و قشلاق ییلاق سردسیر: یعنی در فصل های گرم به ییلاق می روند و در

فصل های سرد به قشلاق می روند قشلاق گرم سیر است.»

به خط سیر حرکت و جابجای عشایر کوچنده از ییلاق به قشلاق و بالعکس اطلاق می شود. به مسیره‌های سنتی گفته می شود « ایلراه » کوچ عشایر • زیست بوم عشایری: محدوده ای از سرزمین و قلمرو ایل و یا قلمرو رده های ایلی عشایر است که علی الاصول شامل ییلاق، قشلاق و مسیر بین این دو (میان بند) است.

• ییلاق یا سردسیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می شود که عشایر تمام و یا قسمتی از فصول بهار و تابستان را در آن میگذرانند. در بین برخی از عشایر به ییلاق، سرحد نیز گفته می شود.

قشلاق یا گرمسیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می شود که افراد و خانوارهای عشایری، تمام یا قسمتی از فصول پاییز و زمستان را در آنجا سپری می کنند.

• میان بند: به مناطق بین قلمروهای ییلاقی و قشلاقی عشایر اطلاق می شود. مسیره‌های عبور عشایر (ایلرا هها) و اتراکگا ههای موقت بین راهی در میان بند قرار داشته است.

همچنین متناسب با فصل یا دوره کوچ، میان بند دارای مراتع بهارگه چر یا بهارچر و پاییزچر بوده است.

فعالیت اقتصادی مردم کوچ نشین ایران

۱- مهمترین فعالیت عشایر دامداری و تولید محصولات دامی است.

۲- فعالیت آنها در تولید محصولات کشاورزی است البته به صورت محدود

۳- در زمینه صنایع دستی

۴- فعالیت های متفرقه که ادامه زندگی عشایری که هم واحد تولید وهم واحد مصرف به حساب می آید است.

به طور کلی نوع مسکن میان ایلات و عشایر را می توان به دو دسته خانه و سیاه چادر تقسیم کرد:

(ناهید خوشنویس) (به نام تعالی) (فرهنگ عمومی)

خانه مساکنی است که مصالح آن از چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره است و بیش تر در نقاط

قشلاق هر ایل یادهکده

هایی که از سوی ایلات مسکون برای تمام ایام سال بنا شده یافت میشود

و جنبه دائمی دارند.

چادر نیز درمیان بیش تر چادر نشینان عمومیت دارد و با وضعیت زندگی

آن ها مناسب است. چادرها را می توان در مدت کوتاهی از روی زمین برچید و بر پشت چارپایان برای بردن به ناحیه ای

دیگر حمل کرد. طرح

چادرها معمولاً یا دایره شکل و یا مستطیلی است

نسبت های خویشاوندی در بین اقوام کوچ نشین ایرانی:

در جامعه عشایری نسبت خویشاوندی به سه شکل دیده می شود.

۱- رابطه سببی

۲- نسبی

۳- آرمانی

۴- خویشاوندی رضایی

سببی:

می تواند به شکل پدر تباری یا مادر تباری باشد در پدر تباری همه افراد یک نیا مشترک واقعی دارند.

افراد موقعیت وارث خود را از پدری می گیرند خویشاوندی در این نوع معمولاً به صورت خانواده گسترده می باشد فرزندان به

نام پدر نامیده می شوند و اقتدار پدر بزرگ چندین نسل را شامل می شود این نوع خویشاوندی در اقتصاد زندگی کوچ نشینی

هم خود خود را نشان می دهد خویشاوندان حقیقی با هم خون حق بهره برداری از آب، زمین و مرتع را دارند.

(ناهید خوشنویس) (به نام تعالی) (فرهنگ عمومی)

اتحاد در بین این گروه مستحکم بوده و معمولاً تلاش می شود با ارج است که تعداد فرزندان هر چه بیشتر باشد خصوصاً فرزندان ذکور یا پسر زیرا دوام نیای خانواده تنها به واسطه ادامه نسل فرزندان نیز ممکن می باشد.

مادر تباری:

نوعی سیستم خویشاوندی است که موفقیت اجتماعی فرد و حتی خویشاوندی او به خانواده مادر وابسته است در این سیستم فرزندان به نام مادر نامیده می شوند و نیاز کودکان از راه مادر ادامه پیدا می کند.

در این سیستم دایی معمولاً قدرت بیشتری دارد در بعضی از اقوام کرد نمونه هایی از آن دیده می شود این نوع انتساب در بین کرد ها بیشتر از آنکه مربوط خونی باشد بیشتر مربوط به شخصیت مادر بوده اس

رسم هایی مثل خونبس

یا گاواو نمونه هایی از نوع ازدواج هستند در رسم خون بس برای اتمام جنگ های طائفه ای دختری از خانواده یا ایل قاتل به خانواده مقتول داده می شود و یارسم گاواو نوعی ازدواج مبادله ای که دختری در مقابل دختری از خانواده دیگر داده می شود.

رسم دیرینه خون بس یا "کارد کتل" در فرهنگ لر زبانان

خون بس(کارد کتل) مانند دیگر سنتها و رسمهای دیار لرنشنان و ایلهای دیگر لر، در میان دیگر اقوام ایرانی، از جمله عربها و بلوچها با نامها و عناوین دیگر، رایج است.

آرمانی

در سیستم خویشاوندی آرمانی نیز:

عضویت افراد، نه تنها به سبب خویشی و قرابت خونی، بلکه داشتن نیای مشترک آرمانی است که ایل یا طایفه بنام او نامیده میشود.

این نوع خویشاوندی در میان عشایر لک و لر بیشتر وجود دارد مشخص می شوند « وند » که با پسوند مانند همهند (همه یا همه مخفف محمد) حسنوند / بهاروند / رشوند (رش مخفف رشید)

تاکنون خیلی از پژوهشگران در مورد پسوند (وند) تحقیق کرده اند چرا که این پسوند نه تنها در نام اقوام ایرانی دیده میشود بلکه در نام برخی از اماکن ایران همچون دماوند، نهاوند و الوند نیز وجود دارد.

حتی واژه «دما در نام ترکیب دماوند را به معنی عقب و واژه نها - در نام ترکیبی نهاوندرا به معنی جلو ذکر نموده اند،

(ناهدید خوشنویس) (به نام تعالی) (فرهنگ عمومی)

واژه ال در نام ترکیبی الوند دگرگون شده آن (عقاب) است.

که روی هم به معنی عقابوند همچون نام خانوادگی دالوند در لرستان که به معنی عقابوند است.

خویشاوندی رضاعی

نوعی نسبت خانوادگی است که با شیر خوردن نوزاد از زنی که مادر طبیعی او نیست، حاصل میشود.

تأثیر این نوع قرابت فقط در منع ازدواج میان خویشان رضاعی است و آثار دیگر قرابت نسبی مانند ارث بردن و انفاق در آن

مطرح نیست.

رضاع به معنای شیر دادن

و رضاعی به معنای همشیر است

و در گفتار بیشتر کلمات

برادر و خواهر همشیر به کار می رود

فرهنگ پذیری

تطابق با هم‌نوائی عمیق فرد با هنجارها و موازین فرهنگی یک جامعه را فرهنگ پذیری گویند. فرهنگ پذیری یا جریانی را که طی آن فرد فرهنگی می شود می توان به دو دسته تقسیم نمود.

فرهنگ پذیری یک سویه و فرهنگ پذیری دو سویه.

فرهنگ پذیری یک سویه مربوط به کودکان می شود و به این دلیل یک سویه نام گرفته است که کودک در مقابل پذیرا شدن

ارزش های جدید منفعل است یعنی آنکه جریان تاثیر ارزش ها یک طرفه و تنها از جانب جامعه بسوی کودک است و او

مقاومتی در برابر این ارزش ها از خود بروز نداده و نمی تواند بر جامعه تاثیری متقابل داشته باشد. کودک بتدریج و ابتداء از

طریق خانواده بعنوان میانجی با ارزشها و نهادها و واقعیت های اجتماعی آشنا می گردد

فرهنگی شدن طفل از طریق خانواده به دو طریق صورت می گیرد : ناآگاهانه و آگاهانه

انتقال ناآگاهانه هنجارها به طفل از طریق سر مشق قرار دادن و اقتباس رفتار و کردار و گفتار والدین می گیرد و بدین ترتیب

بدون آنکه والدین خود متوجه باشند کودک بتدریج با الگوهای رفتار و کرداری آشنایی می یابد که وی از سوی اطرافیان

مشاهده می کند. این مرحله مرحله ای است حساس که شخصیت طفل بوسیله این الگوهای رفتار و کردار و گفتار بتدریج شکل

از طرف دیگر انتقال هنجارها به کودک از طریق آگاهانه بدین معنی است که والدین با آموزش مستقیم و امر و نهی و تشویق و یا ممانعت وی را عمداً با هنجارها و موازین زندگی اجتماعی آشنا ساخته و بگونه‌ای که خود ترجیح می‌دهند و با توجه به برداشتی که از هنجارهای اجتماعی دارند سعی در اجتماعی شدن و فرهنگی نمودن وی می‌نمایند

. آشنایی و سپس هم‌نوایی عمیق کودک با هنجارهای اجتماعی در دو وضعیت آگاهانه، ناآگاهانه از آن جهت اهمیت فراوان دارد که این جریان، جریانی است یک سویه و بنابراین ذهن کودک مساعد و آماده است، از برای هر آنچه که می‌بینید، می‌شنود و حس می‌کند،

در حالیکه جریان فرهنگی شدن در بزرگسالان جریانی دو سویه بدین معنا که در مورد افرادی مصداق دارد که شخصیت آنان تکوین یافته و دارای فرهنگ پیش بینی باشند. در چنین حالتی فرهنگ پذیری تبدیل به جریانی پیچیده می‌شود و فرهنگ جدید به سهولت فرد را تحت سلطه و تاثیر خود قرار نخواهد داد

فرهنگ پذیری دو سویه می‌تواند از چند طریق به وجود آید

مهاجرت های بین المللی

برخوردهای تاریخی اقوام

سلطه استعمارگران بر مستعمرات

انواع فرهنگ :

1. نظریه فرهنگ توده

منشاء آن محتوای رسانه ها است.

یعنی از آنچه بصورت محتوا توسط رسانه ها تولید ومنتشر میشود، به عنوان فرهنگ توده یاد می کنند .

فرهنگ توده ترکیبی است از تصاویر، اطلاعات، سرگرمی ها و... که بصورت محتوا از طرف رسانه ها در بین مخاطبین توزیع می شود .

به عبارت دیگر مجموعه‌های از سلیقه، تمایلات و رفتارهایی است که تحت تأثیر رسانه ها قرار دارد، فرهنگ توده اصالت ندارد.

منشأ آن خود مردم است.

محتوای آن از خود مردم گرفته می شود. قدمت آن فراتر از عمر رسانه های همگانی است و میتواند مستقلاً عمل کند در واقع فرهنگ عامه همان اصالت ها و ارزشهای سنتی ملتها است و ماندگاری دارد.

مثال: در میان مردم یکسری باورها و مثل هایی

وجود دارد که رسانه بررسی میکند و

به خود مردم برمیگرداند مثل سریال مثل آباد

3) فرهنگ نخبه

سرچشمه آن دست اندرکاران پیام های ارتباط جمعی هستند،

به عبارت دیگر کالاهای فرهنگی که توسط نخبگان خلق می شود و در واقع تحت نظارت آنها در چارچوب بعضی معیارهای علمی، خلاقانه و زیبایی شناسی یا علمی عمل میشود.

مجموعه هنرهای زیبا به ۷ دسته تقسیم می شوند

1. هنر های دستی: مثل مجسمه سازی، قالی بافی، منبت کاری، شیشه گری و ...

2. هنرهای ترسیمی: مثل خط و نقاشی

3. هنر موسیقی: چهار عنصر مهم در هنر موسیقی شامل: ساز، خواننده، رهبر گروه و

آهنگساز.

4. هنر معماری: هنری است که از طراحی، نقشه کشی، تا اجرای یک اثر هنری را شامل می شود

و می خواهد فضا را در سه بعد برای بیننده به ترسیم کند.

5. هنر حرکات نمایشی: مثل حرکات آکروباتیک، رقص و ...

6. هنرهای ادبیاتی: مثل شعر، داستان، فیلم نامه، نمایشنامه و ...

(ناهدید خوشنویس) (به نام تعالی) (فرهنگ عمومی)

7. هنر سینما، فیلم و تئاتر: فیلم این قابلیت را دارد که تمام هنرهای ششگانه ی قبلی را می توان در آن نمایش داد به همین دلیل تأثیر بیشتری از سایر هنرها دارد.

8-روابط عمومی

فرهنگ سیاسی

• فرهنگ سیاسی مجموعه ای است از آرمانها، نگرشها و طرز برخورد های کم و بیش ثابت درباره قدرت و سیاست که تحت تاثیر عقاید، نهادها و ارزشها (عناصر فرهنگی) که در اجتماع شکل می گیرد و به رفتارهای سیاسی در قبال نظام جهت می دهد.

انواع فرهنگ سیاسی

(1- فرهنگ سیاسی مشارکتی (فعال:))

یعنی فرهنگی که در آن مردم در امور سیاسی جامعه مشارکت فعالانه ای از خود نشان می دهند و نسبت به حق شهروندی خود آگاهند،

نظام سیاسی خود را قبول دارند

در تصمیم سازی ایفای نقش می کنند

از مسائل سیاسی جامعه آگاهند

و می توانند، تقاضای سیاسی خود را مطرح سازند

و از رهبران سیاسی خود حمایت می کنند

فرهنگ سیاسی تبعی (منفعلانه، اطاعتی:)

• در این نوع فرهنگ سیاسی هرچند مردم خود را شهروند می دانند و نسبت به مسائل سیاسی جامعه آگاهی دارند

• اما مشارکت آنان در سیاست انفعالی است

•، نظام سیاسی کشور را خیلی نمی پسندند،

• احساس تکلیف سیاسی و تعهد نسبت به دخالت در امور نظام سیاسی خود ندارند.

•، احساس می کنند که در تصمیم سازیهای کلان دخالتی ندارند و در مراکز قدرت تاثیری ندارند.

• اطاعت آنان از مقامات حکومتی و مشارکت در انتخابات و فرایند سیاسی منفعلانه است،

• این فرهنگ ویژه جوامع سنتی، الیگارشسی و سلطنتی است

- در جوامعی که از این فرهنگ برخوردارند، افراد نسبت به حقوق شهروندی خود آگاه نیستند و به دخالت در سیاست علاقه ای ندارند حتی خود را عضو جامعه نمی دانند.
- بنابراین به طور کلی از سیاست و حکومت بی اطلاع بوده و فقط درگیر خانواده و امرارمعاش خود هستند.
- این نوع فرهنگ سیاسی را قبیله ای نیز می گویند.
- به افراد دارای این نوع فرهنگ که مخصوص جوامع عقب مانده سیاسی هستند کوچک اندیش می گویند

معضلات فرهنگ سیاسی

- ۱- سکوت مطلق در برابر تمام سیاستگذاریهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دولت (نظام):
به قصد اجتناب از هرگونه تشنج و درگیری فردی و اجتماعی از ترس موقعیت شغلی، اجتماعی و غیره به منظور کسب آرامش در زندگی در برابر سیاستگذاریهای مختلف سکوت مطلق اختیار می کنند.
- اینگونه افراد حتی فردی درستکار، متدین و مقبول هستند ولی حاضر نیستند آرامش خود را از دست بدهند، سکوت مطلق بهترین روش و راه رسیدن به آرامش است.

- عدم اظهار نظر موضع گیرانه (صریح) هنگامی که حقی یا باطلی آشکار شده است:
- این شیوه رفتاری نوعاً به امید کسب مقام یا منصبی میانی و شهرتی نسبی صورت می پذیرد.
- اینگونه افراد الزاماً دلیل و ترسو نیستند بلکه افراد با تجربه و آگاه هم هستند که در اظهار نظرشان همگی حساب و کتاب خاصی دارند در جایی که بدانند که اظهار نظرشان هرچند حق و درست باشد به کسی بر می خورد اظهار نظر نمی کنند و یا به صورت زیرکانه و محتاطانه اظهار نظر می کنند تا به طرفین (کسی) برنخورد، ولی در جایی که اظهار نظر آنها به کسی برنخورد بسیار دقیق و کارشناسانه نظرمی دهند.

معضلات فرهنگ سیاسی

- ۳- دم فرو بستن به هر نوع انتقادی از تمام صاحبان قدرت و تمام سیاستهای آنها:

(ناهید خوشنویس) (به نام تعالی) (فرهنگ عمومی)

• همزمان با حمایت از برخی صاحبان قدرت و سیاستهای آنها

• همچون سخنرانی، مقاله نویسی و شرکت در محافل سیاسی آنها اینگونه افراد بدون اینکه عداوت یا کینه توزی اشخاص صاحب منصب و قدرتمند را برانگیزند به عضویت شبکه های قدرت و ثروت در می آیند و از مواهب این عضویت بهره مند می شود (استفاده از بیت المال و...) از تعقیب و مجازات قضایی نیز گاهاً مصونیت پیدا می کنند البته این مصونیت هم به میزان تقرب و نزدیکی به افراد صاحب منصب و صاحب قدرت متفاوت است.

معضلات فرهنگ سیاسی

4• موضعگیری نسبت به برخی سیاستها و سیاستمداران گروه مخالف و همزمان موضع گیری نسبت به سیاستها و سیاستمدارانی که همدست و هم رانت اند البته این موضع گیری حالات گوناگون دارد:

• الف) سکوت در برابر سیاستهای گروه مخالف با اینکه می داند سیاستهای آنها صحیح و حق است و همزمان سکوت در برابر سیاستهای سیاستمداران هم خط و هم رانت با اینکه می داند سیاستهای آنها نادرست است.

• ب) سکوت در برابر سیاستهای گروه مخالف، در حالیکه سیاستهای آنها را حق و صحیح می داند همزمان حمایت از سیاستمداران هم خط و هم رانت با علم بر اینکه سیاستهایشان نادرست و باطل است

ج) اعتراض و انتقاد از سیاستها و اقدامات گروه مخالف با اینکه می داند سیاستهای آنها صحیح و حق است و همزمان سکوت در برابر سیاستها و اقدامات سیاستمداران هم رانتی و هم خطی با علم به نادرستی و باطلی آنها.

• د) اعتراض و انتقاد از اقدامات و سیاستهای گروه مخالف در حالیکه آن سیاستها را حق و درست می داند همزمان حمایت و تحسین از سیاستها و اقدامات سیاستمداران هم خطی با علم به نادرستی و باطل بودن آن سیاستهای اینگونه افراد چون

آگاهانه و عامدانه اقدام می کنند هزینه های بسیار سنگینی به فرهنگ سیاسی و نظام تحمیل می کنند و با رویکرد منافقانه در دل به ریش افراد و رجال پاک و مخلص می خندند.

سیاست فرهنگی:

(ناهید خوشنویس) (به نام تعالی) (فرهنگ عمومی)

مجموعه مداخلاتی که سازمانها اعم از دولتی، خصوصی و مدنی برای تغییر در روند حرکت یک جامعه یا ملت انجام می دهند تا بتوانند یک نظم نهادین متناسب با اهداف مشخص ایجاد کنند به عبارت دیگر اصول و ارزشهایی که موجودات اجتماعی را در مسائل فرهنگی هدایت و راهنمایی می کند.

سطوح فرهنگ سیاسی

(۱ - سطح مصوب:)

که در قالب قانون اساسی و قوانینی است که از سوی نهادها به تصویب می رسد.

(۲ - سطح محقق:)

برنامه هایی است که دستگاههای اجرایی، سازمانهای خصوصی و دولتی اجرا می کنند.

(۳ - سطح مجرب یا تجربه شده:)

آن چیزی است که مردم عملاً دریافت می کنند و به آن شکل میدهند.

فرهنگ سیاسی این سه سطح همپوشانی دارند

در حالیکه در ساختارهای غیر دموکراتیک

این همپوشانی دیده نمی شود.

در دموکراسی فرهنگی (دموکراتیک کردن فرهنگ)

مردم به جای اینکه تنها مصرف کنندگان فرهنگ باشند

به عنوان مولدان و تولیدکنندگان ایفای نقش می کنند.

ژئوکالچر هر جامعه و کشور

در مرحله اول

در محدوده جغرافیایی آن جامعه یا کشور مصداق داشته و به فعالیت می پردازد.

در مرحله دوم

سعی در خارج شدن از محدوده جغرافیایی خود داشته و دامنه فعالیت خود را به سایر جوامع و کشورها گسترش می دهد از ویژگی های هر فرهنگ اینست که معمولاً خود را فرهنگ برتر دانسته و برای اینکه جهانی شود از هیچ گونه کوشش و تلاشی فروگذار نیست

فولکلور یا دانش عمومی

اصطلاح فولکلور از دو واژه فولک به معنای مردم ، گروه ، طبقه و لور به معنای دانش تشکیل شده است.

فرهنگ عامه اصطلاحی کلی است برای جنبه هایی از فرهنگ بشری که از طریق شفاهی، مشاهده ، تجربه و تقلید به زندگی مردم منتقل می شود.

مردم معمولاً در ساختار فرهنگی سهمیم هستند که شناخت آن از طریق زبان رایج ، انواع پیشه ها ، پیوستگی نژاد ها ، دوره های تاریخی یا محیط جغرافیایی میسر می شود.

اشکال و پیکره ی سنت ها ، آیین ها و رسوم در جامعه باقی می ماند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود

آداب و رسومی که در یک منطقه خاص مورد استفاده قرار می گیرد و در نقاط دیگر رایج نیست " فولکلور " نامیده می شود « که برای مردم آن منطقه " سنت و برای مردم سایر نقاط کشور (جهان) فولکلور می باشد

این اصطلاح را اولین بار ویلیام جان تامس انگلیسی در سال ۱۸۴۶ میلادی به جای باستان شناسی عمومی به کاربرد:

که به نحوه ی زندگی انسان ها ، در طبیعت ، رفتارها و هم چنین به معنای مشترکی گفته می شود که عامه مردم جامعه در زندگی روزمره با آن سروکار دارند از قرن ها پیش در اروپا عده ای از دانشمندان و نویسندگان در کنار ادبیات رسمی ، به منظور سرگرمی ، بخش های گوناگون ادبیات عامه را جمع آوری کردند در قرن شانزدهم نویسنده ی ایتالیایی " تابورو " مجموعه ای از قصه های خنده دار و دور از ادب را منتشر کرد که منابع آنها ادبیات شفاهی بود از اوایل قرن نوزدهم ، کم کم مطالعه ی فولکلور جنبه علمی یافت ، به این معنا که تحقیق درباره ی معتقدات و ادبیات شفاهی و اعمال و رفتار توده ی مردم نه به منظور تجویز یا تحریم آن بلکه با هدف شناخت واقعیت های اجتماعی مطرح شد

• اولین مجموعه های مدون از فرهنگ عامه ی ایران از دوران قاجار مدون شد

• یعنی هنگامی که آقامال خوانساری باورهای زنان عصر صفویه را ، که حاوی آداب و رسوم و باورهای آنان است در کتاب **کلثوم ننه یا عقاید النساء** جمع آوری کرد.

• همچنین در این دوره **میرزا حبیب اصفهانی** به ثبت پاره ای از لغات کوچه و بازاری و اصطلاحات عامیانه ی میان مردم همت گماشت.

• بعدها **علی هانیبال** به گردآوری منظم بازی بچه ها ، باورها ، لالایی ها و ترانه های عامیانه پرداخت و تاحدیروش تحقیق در فولکلور را ارائه کرد.

• **علی اکبر دهخدا ، صادق هدایت ، محمدجعفر محجوب ، کوهی کرمانی ، ملک الشعرا ی بهار** نیز از

• جمله کسانی هستند که کتاب و مقالات ارزشمندی در زمینه فولکلور نوشته اند.

اما **واژه فرهنگ عامه با فولکلور** را در ایران نخست **رشید یاسمی** با ارائه مقاله ای در قالب سخنرانی در سال ۱۳۱۵ شمسی در دانشگاه تهران مطرح کرد.

از نظر وی ، **علم فولکلور ثابت کرد که در میان توده هم علم هست.**

با این معنی که دانش معینی وجود دارد که مبادی و مسائل آن از توده خلق گرفته می شود . هرچند عموم مردم به ترتیب علمی در آن وارد نباشند.

پیشینه تاریخی فولکلور در ایران :

۱-دسته ای از مفاهیم فولکلوریک از **دوران پیش از اسلام** وجود داشته که گاه به صورت های دیگر از سنت اسلام جلوه گر شده اند و برخی جشن ها و آیین های ملی نیز با همان اصالت باستانی خود هنوز در میان مردم زنده اند.

۲-دسته ی دیگر آنهایی هستند که **ریشه اسلامی** دارند و گاه بارنگ اسلامی و زمانی با رنگ و بوی ملیت و هویت ایرانی آشکار می شوند.

۳-دسته سوم مجموع اعتقادات ، باورها و موهوماتی است که ظاهراً ریشه ی ملی یا دینی ندارند، بلکه باید **مبدأ آنها را ترس انسان از طبیعت** و نیروهای آن یا بیم از بیماری، مرگ و حوادث گوناگون دانست.

مطالعات فرهنگ عامه را به طور کلی در پنج بخش می توان تقسیم کرد:

(1 - اعتقادات و باورها : عقاید مردم تعیین کننده ی نوع رفتار و کردار آنهاست.

این عقاید معمولاً به جهان بینی دستگاه فکری ، مکتب ها و یا مذاهب مربوط می شوند و از طریق آنها می توان درباره ی انواع اعتقادات اسلامی ، مسیحی و ... مطالعه کرد.

یکی از علل وجود فولکلور را می توان کنجکاوی انسان درباره ی پیدای جهان هستی دانست . بدین ترتیب که انسان چون نمی توانست پاسخی علمی برای کنجکاوی خود بیابد به اسطوره ، که بخش عمده ای از ادبیات شفاهی ملت ها بدان اختصاص دارد پناه می برد.

غالباً در زبان و ادبیات آثاری از فولکلور و به اصطلاح فسیل آنها ، به جا مانده و خود اسطوره ها از میان رفته اند و محقق فرهنگ عامه (فولکلور) باید با بررسی تغییرات آنها طی قرون ، اعتقاد مردم را درباره ی وقایع اصلی و تاریخی شان بیابد

(۲) سنت ها

سنت ها را می توان در انواع جشن ها و آیین ها ، بازی ها ، پخت و پزها ، لباس محلی، انواع میهمانی و مراسم تعزیه و سوگواری مشاهده کرد . اعیاد و جشن های ملی و مذهبی ، ایام مهم مربوط به وقایع مهم ، ایام شهادت پیشوایان مذهبی و شخصیت های ملی ، ارائه خدمات مهم مذهبی و ... را می توان مربوط به سنت ها دانست.

(3) روایت:

روایت یا روایات را میتوان به احادیث دینی اطلاق کرد . هم چنین در معنی کلی ، اشعاری که طی آنها داستانی بیان می شود ، افسانه ها ، قصص و حکایات را میتوان از مقوله روایات دانست.

روایات ادبی به نظم یا به نثر ، که شفاهی در جهان گسترش می یابد ، از اشکال روایت است.

مردم نوعاً بهترین روایات شفاهی را می شنوند و بهترین آنها را بخاطر می سپارند و باز بهترین محفوظات را برای دیگران نقل می کنند و به این ترتیب در گزینش روایت پیوسته پیرایش و پالایش صورت می پذیرد.

در هر حال ویژگی اساسی روایات و داستان های عامیانه ، انتشار آن هاست و این که از نسلی به نسل دیگر و از فرهنگی به فرهنگی دیگر به طریق شفاهی انتقال می یابند.

بخش مهمی از داستان های عامیانه روایات حماسی و افسانه ها و داستان های پری است که گاهی هم در یکدیگر ادغام می شوند

به ضرب المثل ها ، اصطلاحات زبانی و اشعار ساده و موزون ، گفتارهای زیبا و افسون گرانه ، معما یا چیستان مربوط می شود. یکی از مهمترین منابع ضرب المثل ها ، کتب مقدس مذهبی در عهد عتیق است همچنین در قرآن کریم مثل های فراوانی بیان شده است ،مهمترین راه پیوند و ارتباط انسان ها با یک دیگر زبان است زبان اصطلاحات و ضرب المثل ها تفهیم و تفاهم را بسیار آسان می کند

(۵) هنرهای عامه:

هنر مربوط به فرهنگ عامه هنر انضمامی است و کمتر انتزاع در آن راه دارد. هنر عامه در تاروپود اجتماع تنیده است .هنر پایبند به فرهنگ مردم ، وقف زندگی مردم است و هنرمند پایبند به فرهنگ عامه با هنرش در مراسم جشن و سرور و سوگ و عزا شرکت می کند. هنر مردمی یعنی هنری که از زندگی مردم جدا نیست بلکه بافته شده در متن اصلی زندگی آنهاست.

قلم زنی ، نقاشی ، سوزن دوزی ، گل دوزی ، ساخت ظروف تزئینی غذا آثار دست سازصنعت گران و هنرمندان از هنرهای عامیانه بشمار می آیند

سازندگان آثار یاد شده اغلب بی نام و نشان و یا گمنام اند . یعنی کسانی هستند که تحصیلات علمی در دانشگاه ها را ندارند.

کاربرد انواع زبان را می توان به ترتیب زیر دسته بندی کرد:

الف) زبان هنجار:

زبانی است ساده و بی پیرایه و خالی از هر نوع استعاره ، تشبیه و مجاز و کنایه ، زبانی دستوری که با گونه ی محاوره ای متفاوت است.

ب) زبان معیار:

زبان کاربردی و نقش گرا است . زبانی که در سازمانهای کشوری و لشگری به شیوه های خاصی بکار می رود. هر سازمان اجتماعی از زبان و اصطلاحات خاص خود برخوردار است.

ج) زبان هنری یا ادبی:

در شعر و داستان و انواع ادبی به کار می رود.

د) زبان گفتاری:

زبان محاوره ای و همگانی است که اصطلاحات متنوعی دارد.

: است مشخص و بارز ویژگی دو دارای عامه فرهنگ کلی طور به

الف) فولکلور همه ی کشورها اغلب زاینده تجربه اجتماعی است ، هیچ نمود فولکلوریک وجود ندارد که نتیجه ی تجربه ای از گذشتگان نباشد و یکی از علل اعتبار فولکلورهمین است.

ب) ویژگی دیگر منطقه ای بودن آن است . هر منطقه ای متناسب با اوضاع و احوال جغرافیایی خویش دارای فولکلور خاصی است که انسان بوی خاک ، گل و گیاه آن را در خلال مطالعه ی فولکلورش حس می کند

عوامل موثر در فولکلور (فرهنگ عامه

الف) تکنولوژی:

در پی انقلاب صنعتی برخی از سنت ها و نهادهای کهن (روستاها) به هم ریخت و در فرهنگ عامه تاثیر بسزایی گذاشت.

ب) وضعیت جغرافیایی:

مثلا آب و ارزش های آن در زندگی کشاورزی باعث می شود که در مناطق خشک و کم آب ، جشن ها و مراسمی برای باران خواهی و ... برگزار شود.

ج) افکار و اعتقادات دینی:

این اعتقادات در خلق برخی از مفاهیم فولکلوریک موثر است.

د) معیشت

یکی دیگر از عوامل موثر در فرهنگ عامه نظامهای معیشتی است . در نظام کشاورزی زمین و آب اهمیت دوچندان دارد . مراسم ویژه مثل جشن های بهار ، پاییز و پایکوبی به هنگام بذرافشانی و ... برپا می شود